

منظور توں کدوم
حیونه ؟ شاید
مقصود توں غول
دیاونیه !

شوخی نکن حیون . مقصود
حیون جزیره سیاهه . هر کوی
پاش به او نجا بر سه حیون
میخوردش .

اون روز مه غلیظی دریارو گرفته
بود . بیچاره ماہیگیر راهش را
نمی کرد و رفت طرف جزیره . دیگه
هیچکس ندیدن . سال پیشتر هم ...
اگه بخواه همه کسانی رو که تا پدید
شدن بشمرم قصه ام تعومن ندارم .

سنهای پیش دوتا جوون رفتن او نجا هر چیم
گفتم نزید ، گوش نکردن . با قایق رفتن .
دریا آردم بود . حتی نیمی هم نبود . اما
دیگه هیچکی او نارو ندید . پارسال هم
یك ماہیگیر « کیل توجی » نایدید شد ...

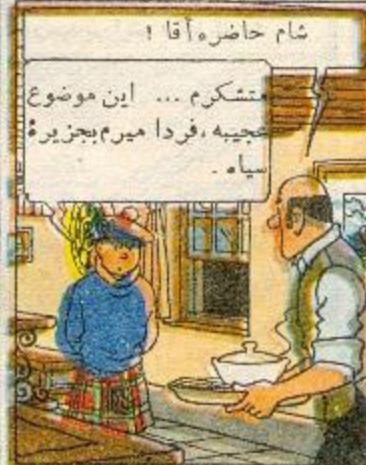


روز بعد ...

جزیره سیاه ؟ ... میخواین
برین بجزیره سیاه ؟ مکه
برید ؟
از زندگی سین شدین ؟

شام حاضره آقا !

مشترکم ... این موضوع
تجییه ، فردا میرم بجزیره
سیاه .



کجا میری ؟

میرم جزیره
سیاه ...

فایتونو بمن اجاره
میدین ؟

آره ، بلدى
او نو راه
میری ؟



حالا برم سراغ این یکی



جزیره سیاه ؟ ...
ول کن بابا - کی
ترو میره او نجا !

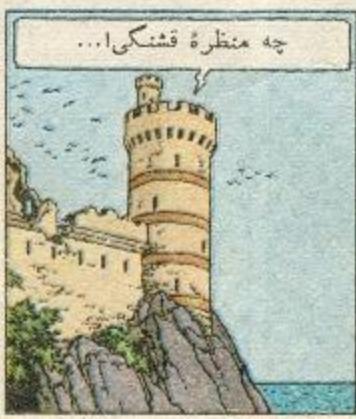
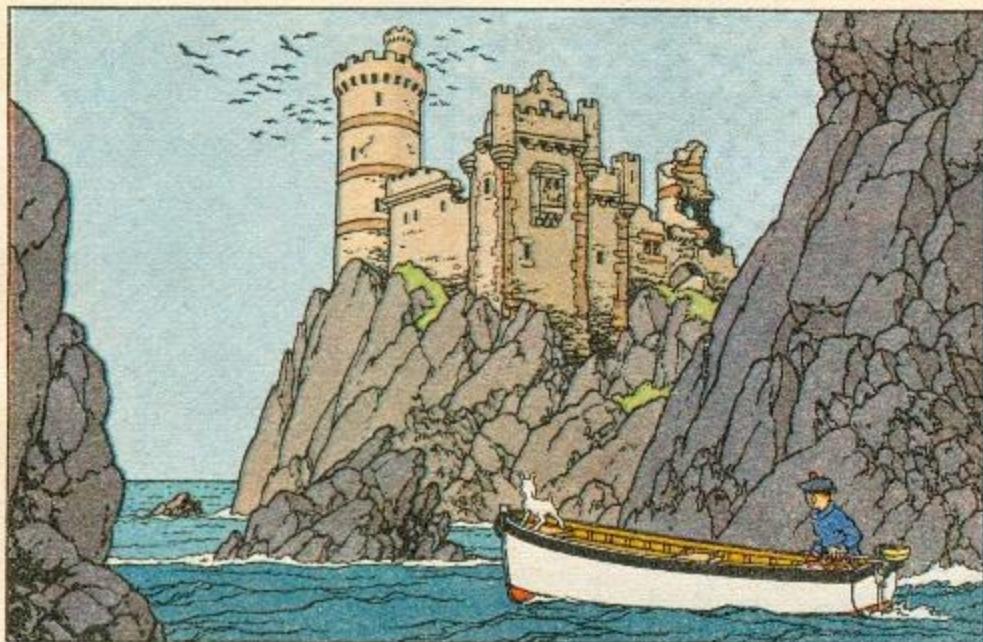


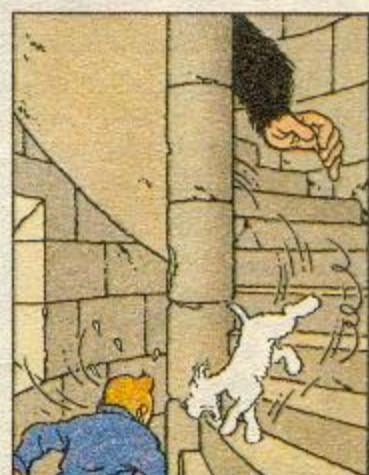
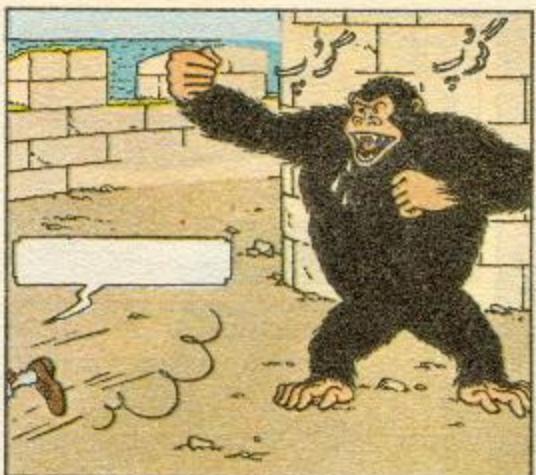
جزیره سیاه ؟ ... آنه
همه طلاهای دنیارو
بهم بدن او نور نمیره .
من کلی جو نمیم رو
دوست دارم .

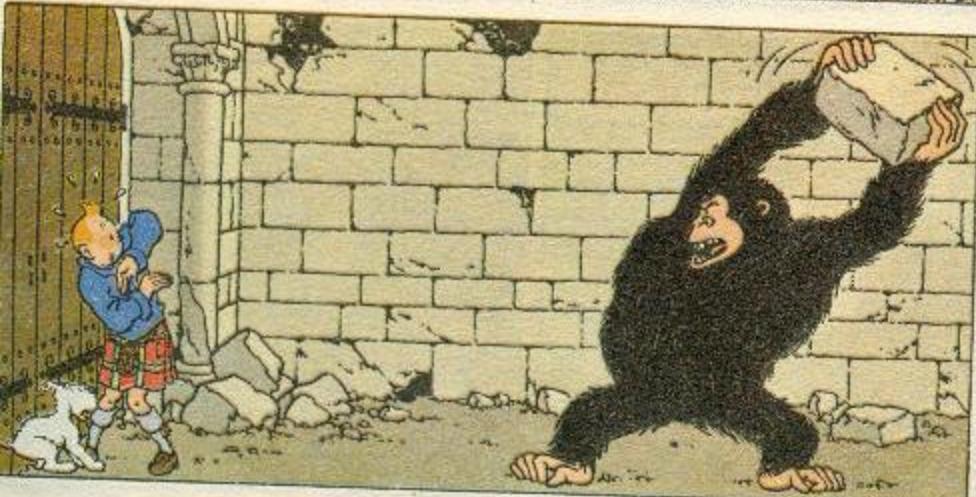
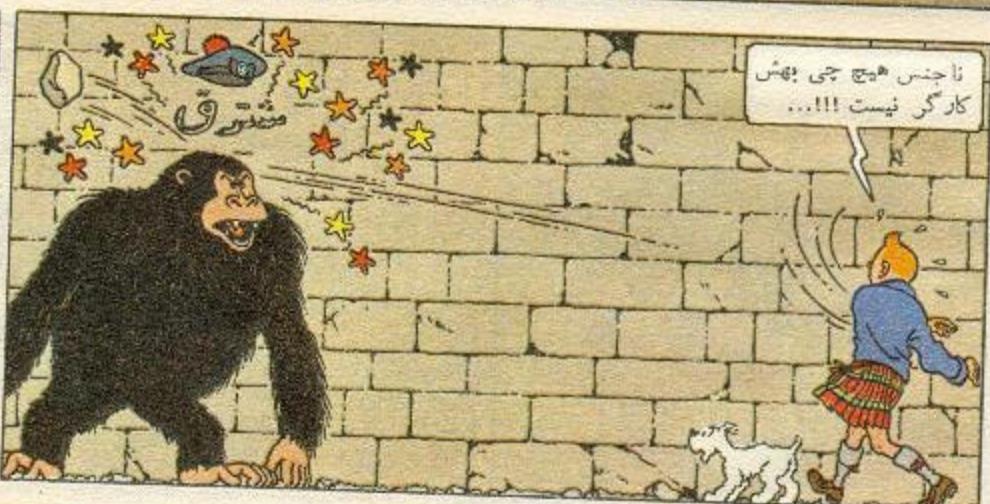


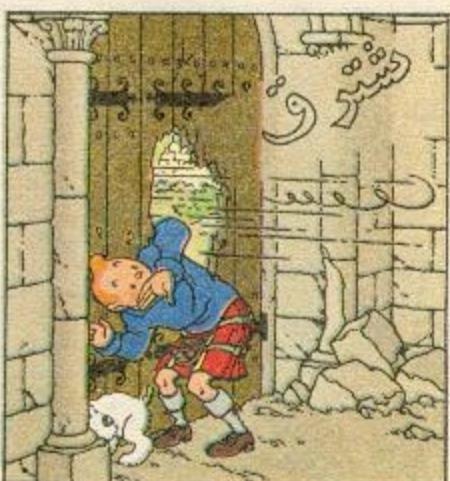
یکی دیگه هم داره بطرف مر گن میره ...

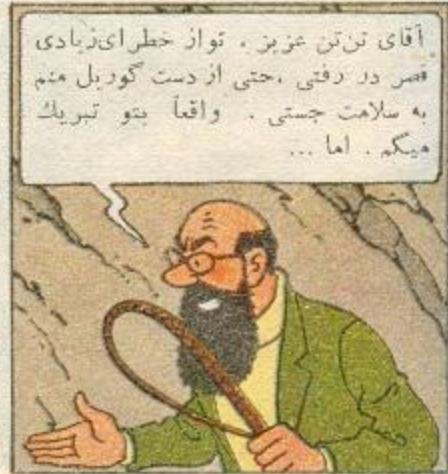
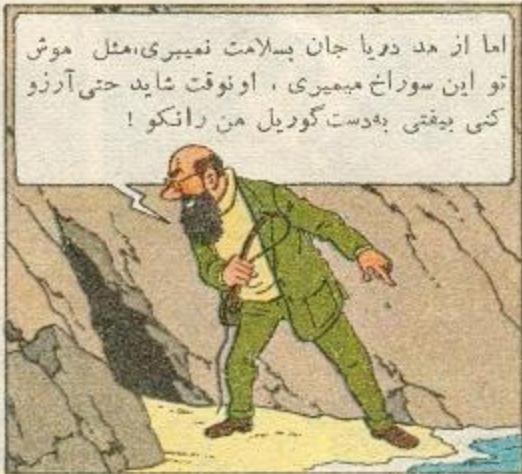
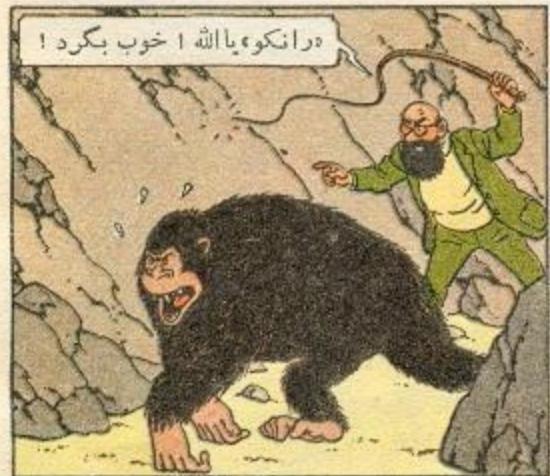




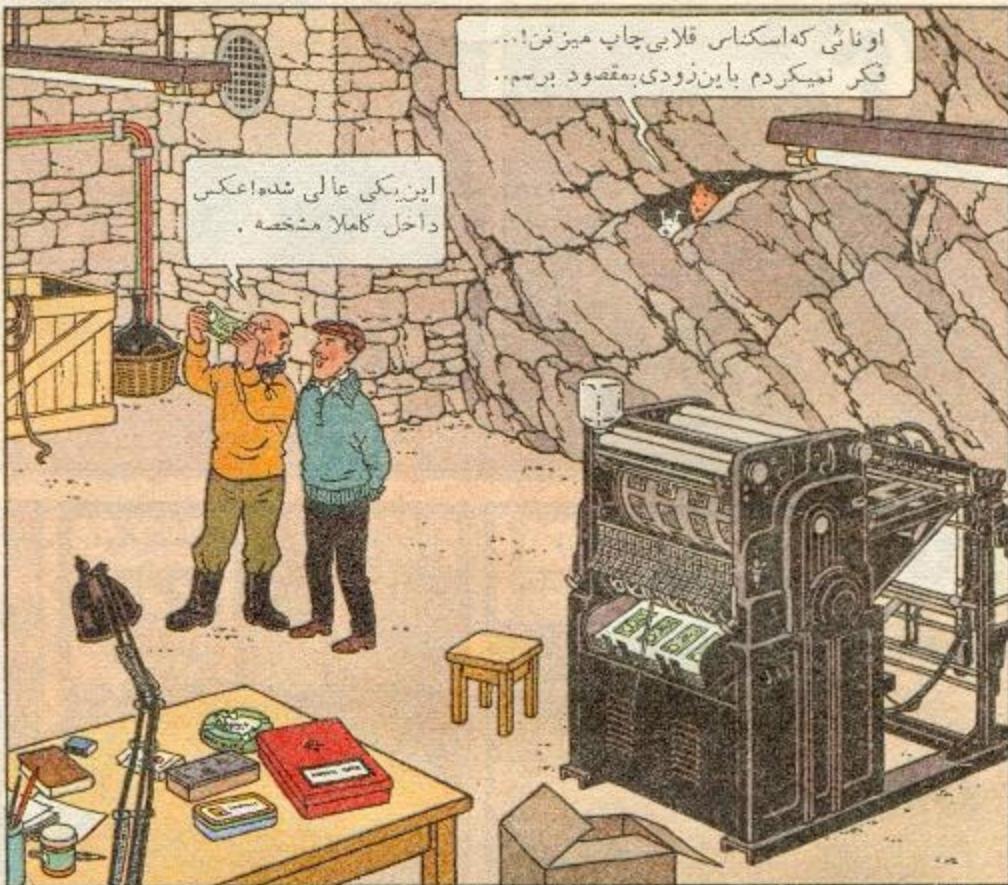


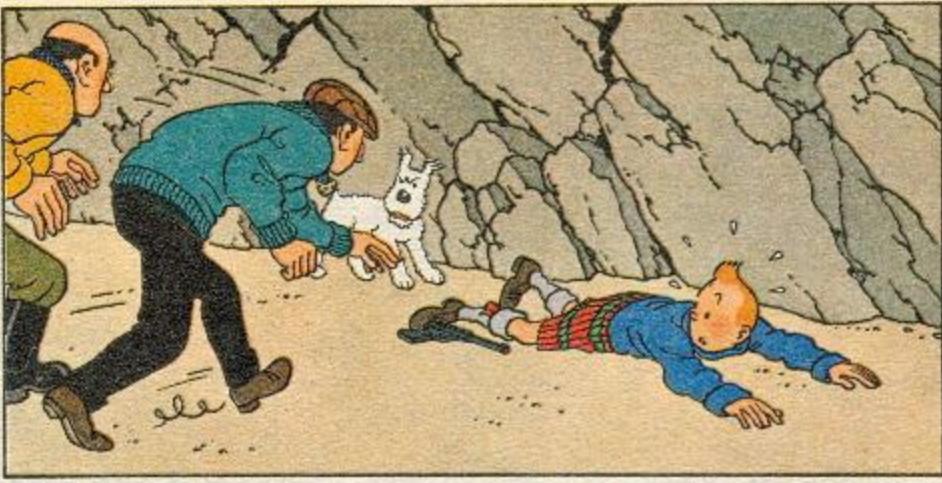




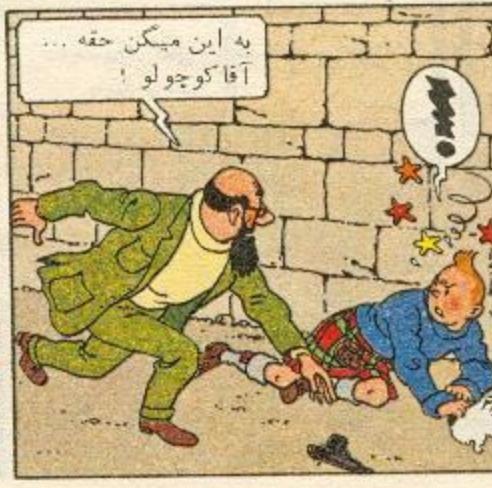


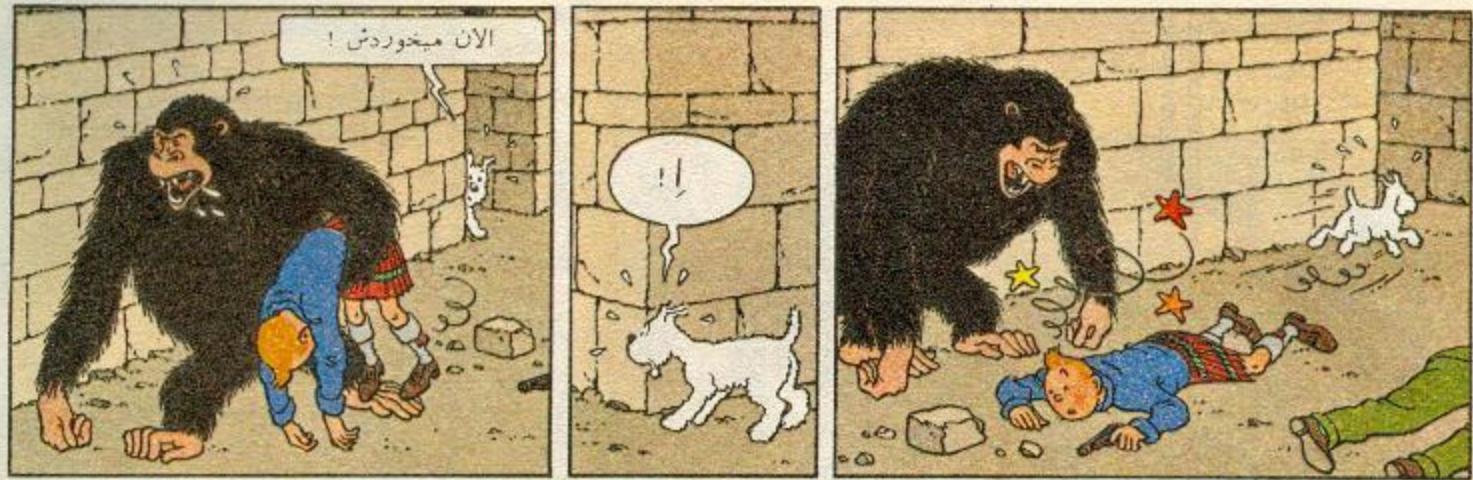


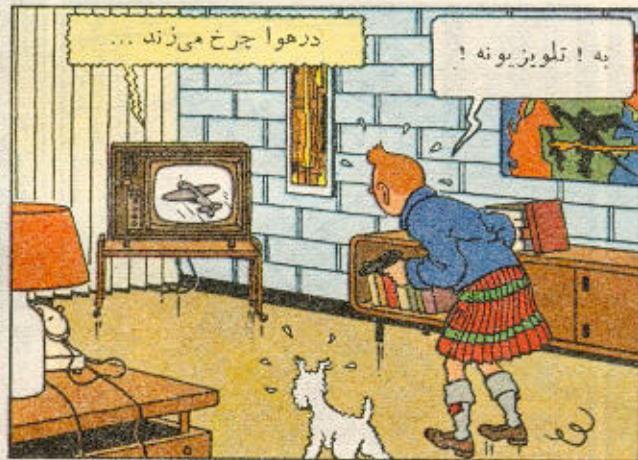


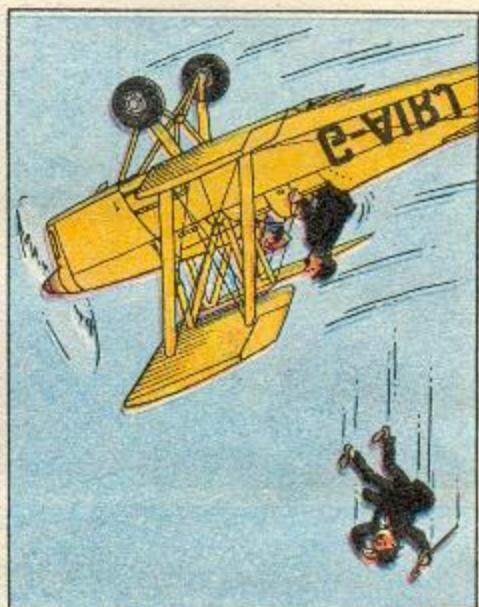
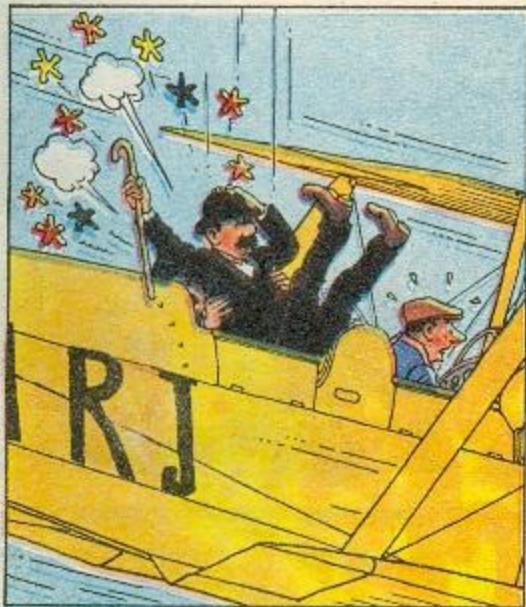










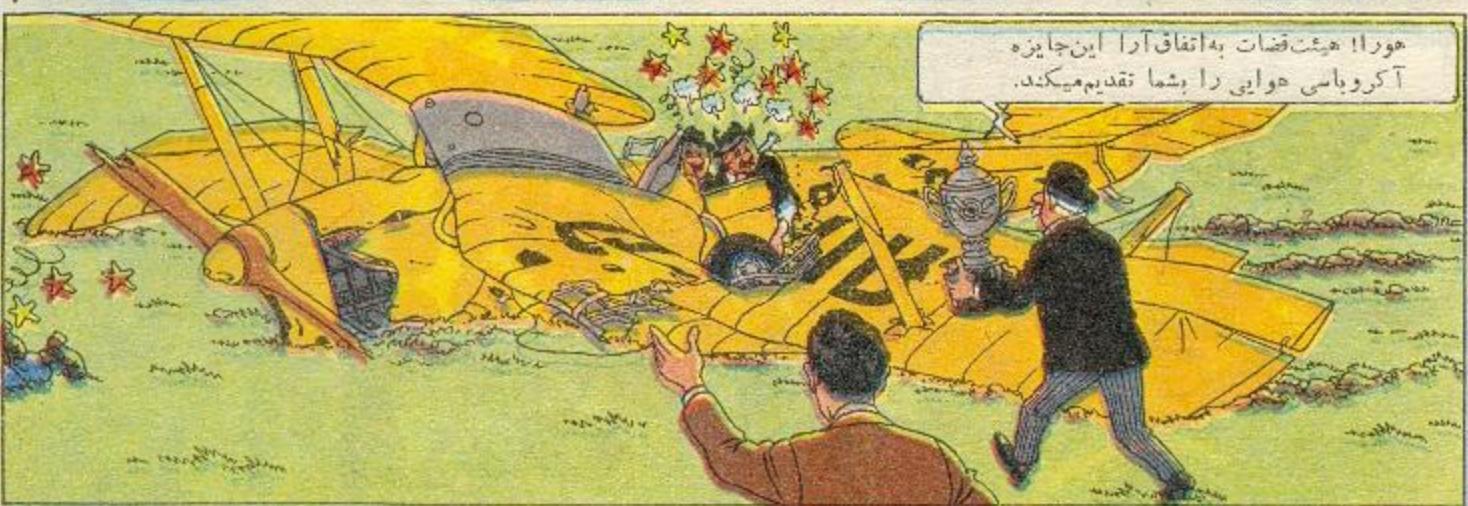
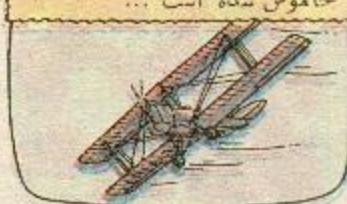
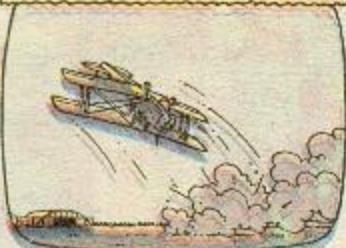


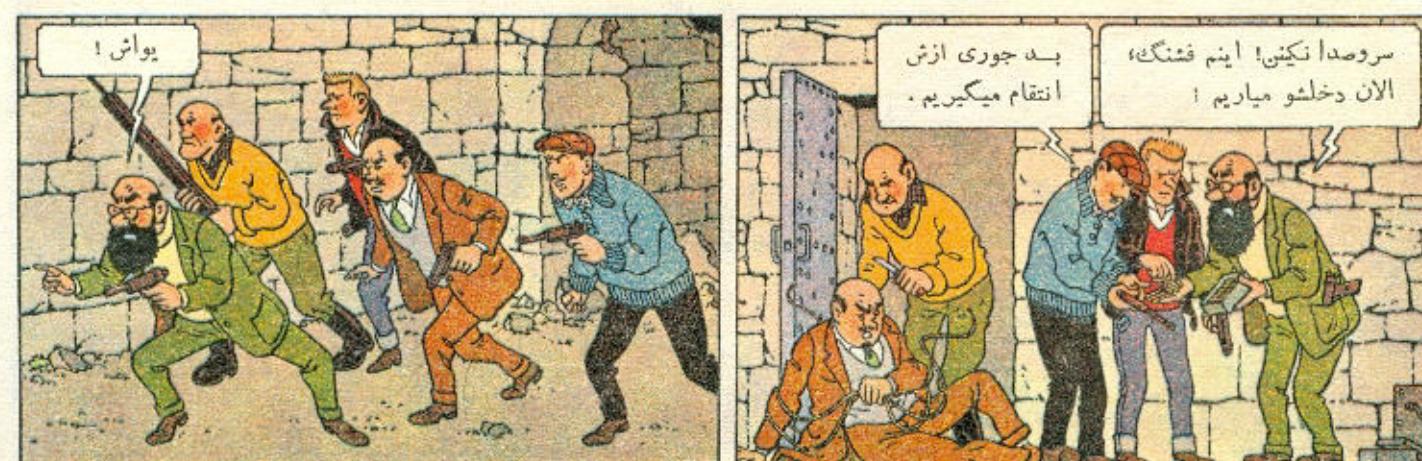
... بازهم یک آکروباتیک جهش کاملاً خطرناک! قبل از اینکه هوایماری زمین متوقف شود.

هوایما بزمین هیچ‌خورد
بار بلند می‌شود ...

مازاین شاهامت‌ستایش هیکنیم
ایثار مثل اینکه خلبان تصمیم
دارد فرود بیاید ... موئر
خاموش شده است ...

آه تماشایان عزیز آنجه شاهد
آن بودید از خطر تا کترین
عملیات خلابانی بود ...

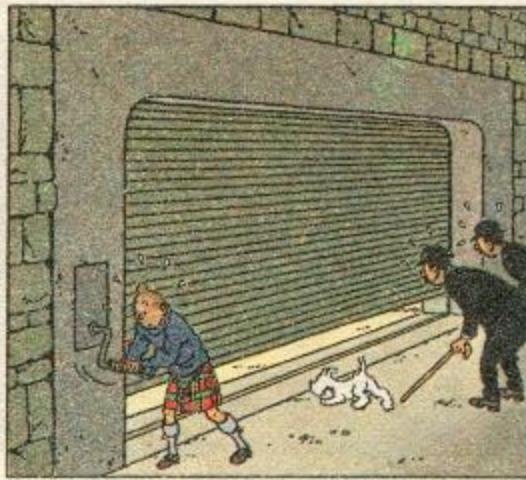
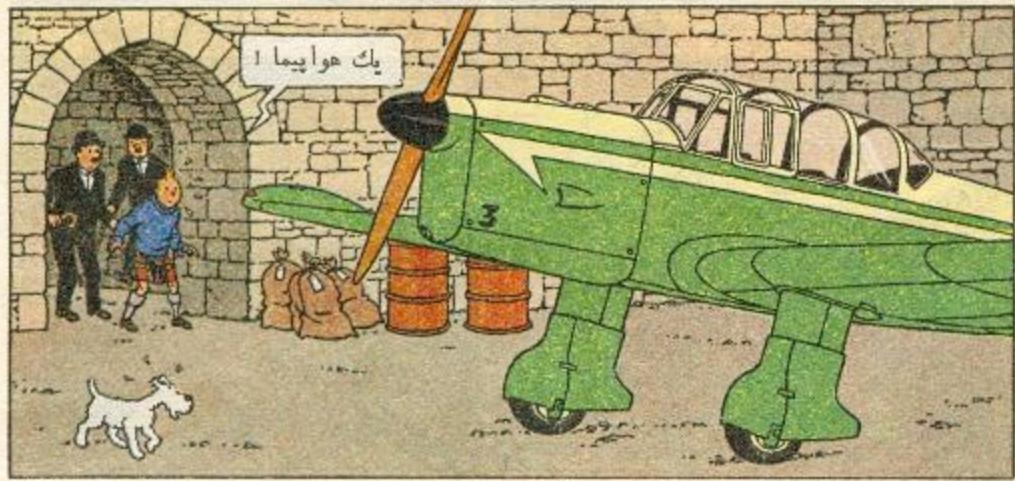














اسه رار ج زیوه سیاه

دستگیری باند جاعلین بین المللی اسکناس

جز تیات در صفحه ۱

وستکر شدن تحت نظر مخاطبین
مخصوص با مشن زرهی به شهر «رادنورک»
 منتقل و تحویل دادگاه خواهد شد.

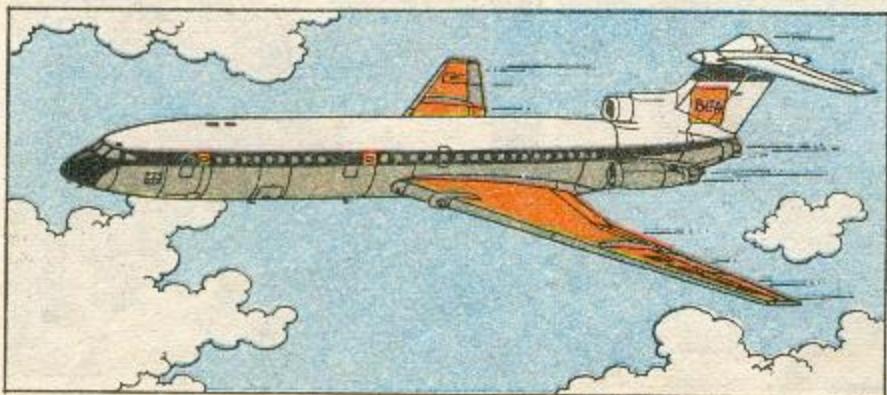
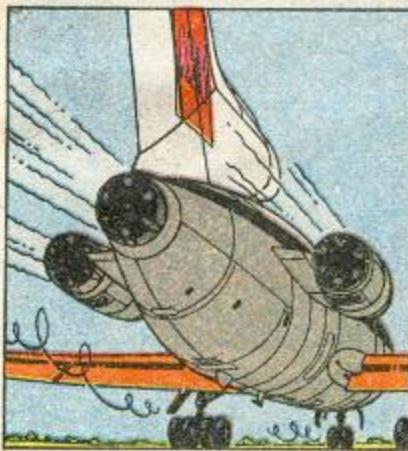
چند نمونه از اسکناسهای جملی که
در جزیره سیاه توسط تن تن و هم‌آورین
پلیس گشته شده است. اسکناسها با هوای پر
یقندستان جاعلین یکدروهای مختلف فرستاده
می‌شدند. عجیب اینکه این اسکناسها بقدرتی
با هم از جمل شده بودند که تنهام آن برای
مقامات مر پوشه پاسانی میسر نبودند.



خبرنگار معروف ما تن تن که پشتکار
و حصار فوج الماده اش بیان دستگیری
جاعلین جزیره سیاه شده، «رانکو» گوربل
جزیره را به باع وحش لندن هدیه کرد. در
اینجا او را عنتم خدا حافظی با «رانکو»
می‌پینید.



در این عکس شما خبرنگار معروف
ما تن تن را با عهدی از افراد زبه پلیس
که در دستگیری جاعلین خط راز جزیره سیاه
با تن تن همکاری داشتند مشاهده میکنید.



دوره کامل ماجراهای «تن تن و میلو» را بصورت کتابهای
تصویر رنگی، بشرح زیر خواهید خواند:

هفت گوی بلورین	جز بره سیاه
معبد آفتاب	هدق کره ماه
تن تن در سرزمین طلای سیاه	روی ماه قدم گذاشته
ماجرای «تورنل»	اسرار اسب شاخدار
ابار ذغال سنت	تن تن در گیتو
تن تن در بت	سیگارهای فرعون
جواهرات «کاستافور»	گل آبی
گنجهای «راکام»	شوش کنده شده
ستانه اسرار آمیز	عصای اسرار آمیز
تن تن در آمریکا	خرچنگ پنجه طلائی

پرواز شماره ۷۱۴

انتشارات یونیورسال چاپ و نشر داستانهای مختلفی بنام جزو های «تن تن» را آغاز نموده. با جمع آوری این جزو ها، مجموعه ای زیبا و بی نظیر از داستانهای تصویر خواهید داشت.

انتشارات یونیورسال: صندوق پستی ۱۸۵۸ - تهران

